

تولد دوباره

پایه حیات

مهدی عزیزان

خورشید تغذیه می‌کنند، بر اثر تغذیه، رشد (تنیمه) می‌کنند و برای بقای نسلشان تولید مثل می‌نمایند.

بنابراین سه شاخصه «تغذیه»، «تنیمه»، «تولید مثل» را به عنوان علائم حیاتی گیاهان می‌شناسیم. حیوانات نیز علاوه بر تغذیه و رشد و تولید مثل، با اراده خود حرکت می‌کنند، و به این سو و آن سو می‌روند. به چیزهایی «میل و گرایش» نشان می‌دهند و از چیزهایی «گریزانند». بنابراین شاخصه اصلی زندگی حیوانی، عبارت است از حرکت آزادی بر اساس «شهو» (میل‌ها و گرایش‌ها) و «غضب»

ارکان زندگی نباتی و حیوانی

در این دنیای پهناور و بی انتها موجودات بسیاری زندگی می‌کنند. گیاهان، حیوانات و انسان‌ها سه دسته موجوداتی هستند که ما به عنوان موجودات زنده از آن‌ها نام می‌بریم. اما به راستی علائم زندگی گیاهان چیست؟ زندگی حیوانات چگونه؟ و انسان‌ها چگونه؟ به تعبیر دیگر، زندگی گیاهان دارای چه نشانه‌هایی است؟ زندگی حیوانات چه شاخصه‌هایی دارد؟ و زندگی انسانی مبتنی بر چیست؟ گیاهان، از آب، خاک، هوا و نور

تازه بگذارد و تابعیت آنجا را بپذیرد.

اولین تولد انسان

اگر محدوده زندگی انسان را در

زندگی مادی خلاصه کنیم، زندگی

انسان با تولد آغاز می شود و با مرگ نیز

خاتمه می یابد و برای همیشه پرونده

زندگی او مختومه اعلام می شود. قرآن

کریم این اعتقاد را چنین بیان می کند:

﴿وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ

وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُم بِذَلِكَ مِنْ

عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ﴾؛ «آن ها گفتند:

«چیزی جز همین زندگی دنیای ما در

کار نیست، می میریم و زنده می شویم و

جز طبیعت [و روزگار] ما را هلاک

نمی کند، آن ها به این سخن که

می گویند علمی ندارند، بلکه تنها گمان

[بی پایه] دارند.»

اما در نظر قرآن، گر چه ابتدای

تولد انسان، پا گذاشتن به دنیای مادی

است، اما انتهای زندگی او، خارج شدن

از دنیای مادی نیست.

تمام همت پیامبران بر این بوده

است که پنجره جدیدی به روی انسان

(نفرت ها و ترس ها). البته شهوت و

غضب حیوانات بر اساس غریزه و

طبیعت خاص آن ها شکل می گیرد و

فقط دارای منشأ غریزی است.

موجودی دوزیست

انسان از آن جهت که دارای بعد

مادی و معنوی است، موجودی دو

زیست است و یا به عبارت دیگر

شهروند دو کشور است.

انسان از آن جهت که شهروند

کشور مادیات است، مانند گیاهان

تغذیه می کند، رشد و نمو دارد و تولید

مثل می کند. و نیز مانند حیوانات دارای

شهوت و غضب است. یعنی به اموری

که موافق طبع او است گرایش و میل

نشان می دهد و از اموری که مخالف

طبع اوست، فرار می کند و نفرت نشان

می دهد. تا اینجا، زندگی انسانی با

زندگی گیاهی و حیوانی هم مرز است

و انسان از این جهت با گیاهان و

حیوانات احساس خویشی می کند. اما

زندگی انسانی، در همین محدوده

خلاصه نمی شود، بلکه از آن جهت که

دارای عقل و اندیشه و روح مجرد و

غیر مادی است، می تواند پا به کشوری

اعمال [زشتی] که انجام می دادند تزیین شده است.»

و نیز می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ»^۲؛

«ای کسانی که ایمان آوردید! دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید هنگامی که شما را به سوی چیزی می خواند که شما را حیات می بخشد.»
و یا می فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَكَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»^۳؛

«هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می داریم و پاداش آن‌ها را به بهترین اعمالی که انجام می دادند، خواهیم داد.»

بر اساس این آیات شریفه، انسان‌های دارای ایمان و عمل صالح، حیات دوباره‌ای می یابند که سایر

بگشایند و افق دید او را وسعت بخشند، تا انسان بداند زندگی دامنه‌ای بی انتها دارد و باید خود را برای چنین زندگی بی انتهایی آماده کند.

تولد دوباره انسان

انسان، بازایده شدن از شکم مادر «حیات حیوانی» می یابد، و با گذر از عالم حیوانی و غلبه بر شهوت و غضب، «حیات انسانی» پیدا می کند. بنابراین کسانی که هنوز در بند شهوت و غضب حیوانی اند، به لحاظ انسانی زنده نیستند و مرده محسوب می شوند. انسان، با شنیدن دعوت انبیای الهی و دل سپردن به آن زنده می شود و «حیات انسانی» خود را آغاز می کند. قرآن کریم می فرماید:

«أَوَمَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلَهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا، كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»^۱؛

«آیا کسی که مرده بود سپس او را زنده کردیم و نوری برایش قرار دادیم که با آن در میان مردم راه برود، همانند کسی است که در ظلمت‌ها باشد و از آن خارج نگردد؟ این گونه برای کافران

۱- انعام/۱۲۲.

۲- انفال/۲۴.

۳- نحل/۹۷.

انسان‌ها از مواهب این حیات، بی بهره‌اند.

انسان‌های برخوردار از این حیات تازه، چیزهایی می‌بینند که دیگران نمی‌بینند، چیزهایی می‌شنوند که دیگران از شنیدن آن‌ها عاجزند و از احساسات لطیفی برخوردارند که دیگران فاقد آنند. این عده، گرچه در زندگی مادی با دیگران شریکند و از دنیای آن‌ها بهره می‌برند، اما دیگران با دنیای اینان بیگانه‌اند و از مواهب آن محروم.

در حدیث معراج آمده است: «أَنَا الْحَيَاةُ الْبَاقِيَةُ فِيهِ الَّتِي يَعْمَلُ لِنَفْسِهِ حَتَّى تَهْوُونَ عَلَيْهِ الدُّنْيَا وَتُصَغَّرُ فِي عَيْنَيْهِ وَتُعْظَمُ الْآخِرَةُ عِنْدَهُ... فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ اسْكَنْتَ فِي قَلْبِهِ حُبًّا حَتَّى أَجْعَلَ قَلْبَهُ لِي، وَقَرَأَهُ وَاسْتَعَالَهُ وَهَمَّهُ وَحَدِيثَهُ مِنَ النُّعْمَةِ الَّتِي أَنْعَمْتُ بِهَا عَلَى أَهْلِ مَحَبَّتِي مِنْ خَلْقِي وَأَفْتَحُ عَيْنَ قَلْبِهِ وَتَسْمَعُهُ حَتَّى يَسْمَعَ بِقَلْبِهِ وَيَنْظُرُ بِقَلْبِهِ إِلَى جَلَالِي وَعَظَمَتِي»^۱

زندگی ماندگار آن است که فرد [در انجام اعمال صالح] برای خود کوشش کند تا آنکه دنیا نزد او کوچک و آخرت در چشم او بزرگ شود...

هرگاه چنین عمل کرد، قلب او را پر از محبت [خود] می‌نمایم تا آنجا که چشم و گوش قلبش را باز کنم تا با قلب خود [کلام مرا] بشنود و با [چشم] قلب خود به عظمتم بنگرد.»

ویژگی‌های حیات طیبه

۱- زندگی عاقلانه و دین‌مدارانه

قال علی عليه السلام: «لَا حَيَاةَ إِلَّا بِالذِّينِ وَلَا مَوْتَ إِلَّا بِجُحُودِ الْيَقِينِ»^۲

زندگی، جز با دین نیست، و مرگ چیزی غیر از انکار یقین نیست.»

و «توحید» به عنوان رکن رکین تمام ادیان الهی، موجب حیات روحانی است.

امام علی عليه السلام فرمود: «التَّوْحِيدُ حَيَاةُ النَّفْسِ»^۳

[ایمان به] توحید، موجب حیات روح است.»

همچنین امام علی عليه السلام فرمود: «إِنِّي إِذَا اسْتَحْكَمْتُ فِي الرَّجُلِ خَصْلَةَ

۱- ارشاد القلوب دیلمی، ص ۲۰۴.

۲- میزان الحکمة، ج ۱، ص ۷۱۰، (در کلیه ارجاع‌ها به کتاب میزان الحکمة، دوره ۴ جلدی آن ملاک است.)

۳- همان.

لِلأُذُنِ الصَّمَاءِ وَرَبِّي لِلظُّمْتَانِ وَفِيهَا الْغِنَى كُلُّهُ
وَالسَّلَامَةُ ۳

بدانید که هیچ چیز نیست جز آنکه دارنده‌اش از آن سیر و دلگیری شود، مگر زندگی [که بر آن چیزی نگزیند] چون در مرگ آسایشی نبیند. و آن همانند حکمت است که حکمت مایه حیات دل مرده است و چشم کور را بینایی است و گوش کور را موجب شنوایی. سیراب کننده تشنه [حقیقت] است، و در آن همه بی‌نیازی و سلامت است.»

همچنین پیامبر اکرم ﷺ فرمود:
«لَا عَيْشَ إِلَّا لِلرَّجُلَيْنِ: عَالِمٍ نَاطِقٍ وَمُتَعَلِّمٍ وَاعٍ ۴»
فقط دو کس زندگی می‌کنند: عالم گوینده [که علم خود را نشر می‌دهد] و یادگیرنده علم [که در راه کسب دانش است].»

و در همین راستا، هم نشینی و آمد و شد و انس و الفت با عالمان ربانی، کار ساز است.

مِنْ خِصَالِ الْخَيْرِ احْتِمَالُهُ لَهَا وَاعْتَفَرْتُ لَهُ فَقَدْ
مَا سِوَاهَا وَلَا اعْتَفَرْتُ لَهُ فَقَدْ عَقِلٍ وَلَا عَدَمَ دِينٍ
لِأَنَّ مُفَارَقَةَ الدِّينِ مُفَارَقَةَ الْأَمْنِ وَلَا تَهْتَأُ حَيَاةٌ
مَعَ مَخَافَةٍ وَعَدَمَ الْعَقْلِ عَدَمَ الْحَيَاةِ وَلَا تَعَاشِرُ
الْأَمْوَاتُ ۱

من، هرگاه صفتی از صفات نیک را در کسی مستحکم بیابم، او را بنخاطر داشتن همان صفت، تحمل می‌کنم و از نبود سایر صفات نیک در او در می‌گذرم، اما از دو ویژگی فقدان عقل و نبود دین نمی‌گذرم، چرا که جدایی از دین، جدایی از امنیت است و هیچ زندگی همراه با ترس گوارا نیست، و نبود عقل نبود زندگی است و با مردگان، نتوان زیست.»

۲- زندگی عالمانه و حکیمانه

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «الْعِلْمُ حَيَاةٌ
الْإِسْلَامِ وَعِمَادُ الْإِيمَانِ ۲»

علم موجب حیات اسلام، و پایه ایمان است.»

و امام علی ﷺ فرمود: «اعْلَمُوا أَنَّهُ
لَيْسَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَيَكَادُ صَاحِبُهُ يَشْبَعُ مِثْلَهُ
وَيَمِلُّهُ إِلَّا الْحَيَاةُ فَإِنَّهُ لَا يَجِدُ لَهُ فِي الْمَوْتِ
رَاحَةً. وَإِنَّمَا ذَلِكَ بِمَنْزِلَةِ الْحِكْمَةِ الَّتِي هِيَ حَيَاةٌ
لِلْقَلْبِ الْمَيِّتِ وَيَصْرُّ لِعَيْنِ الْعَمْيَاءِ وَتَسْمَعُ

۱- غرر الحکم / ۳۷۸۵.

۲- کنز العمال / ۲۸۹۴۴.

۳- نهج البلاغه، خطبه ۱۳۳.

۴- میزان الحکمة، ج ۳، ص ۲۲۱۷.

امام علی علیه السلام فرمود: «مُجَالَسَةُ الْحُكَمَاءِ حَيَاةُ الْعُقُولِ وَشِفَاءُ النُّفُوسِ!»^۱
 «هم نشینی با حکیمان، موجب زنده شدن عقل‌ها و شفاء روح‌ها است.»

۳- خشنودی از تقدیر الهی

امام علی علیه السلام فرمود: «إِنَّ أَهْمًا النَّاسِ عَيْشًا مَنْ كَانَ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ رَاضِيًا؟»^۲
 «گواراترین زندگی از آن کسی است که به آنچه خداوند نصیب او گردانیده است راضی و خشنود باشد.»
 و در حدیث معراج آمده است: «يَا أَحْمَدُ! هَلْ تَدْرِي أَيُّ عَيْشٍ أَهْمِيَّةٌ وَأَيُّ حَيَاةٍ أَتَقِي؟ قَالَ: اللَّهُمَّ لَا، قَالَ: أَمَّا الْعَيْشُ الْهَمِّيَّةُ فَهِيَ الَّذِي لَا يَفْتَرُ صَاحِبُهُ عَنْ ذِكْرِي وَلَا يَنْسِي نِعْمَتِي وَلَا يَجْهَلُ حَقِّي، يَطْلُبُ رِضَائِي كَتَيْلَةٍ وَتَهَارَةً؟»^۳

«ای احمد! آیا می‌دانی کدام زندگی گواراتر و ماندنی است؟ گفت: خداوند! نه. فرمود: کسی زندگی گوارا دارد که در ذکر و بیاد داشتن من سستی نکند، نعمت مرا فراموش نسازد، نسبت به حق من جاهل نباشد و پیوسته در روز و شب، خشنودی و رضایت مرا طلب کند.»

۴- تدبیر و آینده نگری

رسیدن به هر قله‌ای، مادی یا معنوی و دنیوی یا اخروی، بدون برنامه‌ریزی، عاقبت‌اندیشی و محاسبه، امکان‌پذیر نیست. از این جهت یکی از صفات مهم مؤمنان، هم در زمینه مسایل مادی و دنیوی و هم در زمینه مسایل معنوی و اخروی، تقدیر، تدبیر و تنظیم امور است.

امام علی علیه السلام فرمود: «قِنَومُ الْعَيْشِ حُسْنُ التَّقْدِيرِ وَمِلَاكَةُ حُسْنِ التَّدْبِيرِ»^۴
 پاینداری زندگی به تقدیر و اندازه‌گیری خوب است و ملاک تقدیر خوب، [عاقبت‌اندیشی و] آینده‌نگری مناسب است.»

۵- یاد خداوند

جان آدمی نیز مانند جسم او محتاج رسیدگی و تغذیه است، و چون جان او پرنده‌ای از عالم بالا و زاییده شده در آنجا است، غذای حیات آن، ارتباط با عالم بالا و ملکوت دارد.

۱- غررالحکم/۴۷۲۳.

۲- همان/۳۳۹۷.

۳- ارشاد القلوب/۲۰۴.

۴- غررالحکم/۶۸۰۷.

امام علی علیه السلام فرمود: «فِي الذِّكْرِ حَيَاةُ الْقُلُوبِ»^۱

زندگی قلب‌ها [و جان‌ها]، در یاد خداست.

و نیز فرمود: «مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَحْيَا اللَّهُ قَلْبَهُ وَتَوَرَّ عَقْلَهُ وَكَبَّهُ»^۲

هر کس به یاد خداوند سبحان باشد، خداوند قلب او را زنده و عقل و مغز او را نورانی خواهد کرد.

همچنین آن حضرت فرمود: «الذِّكْرُ نُورُ الْعُقُولِ وَحَيَاةُ النَّفُوسِ وَجَلَاءُ الصُّدُورِ»^۳

یاد [خداوند]، موجب نورانی شدن اندیشه‌ها، زنده شدن روح‌ها و صیقل یافتن دل‌ها است.

بدون اتصال به معدن معنویت، جان آدمی مانند گلی بی آب و نور، پژمرده می‌شود و خارهای اطراف، گلبرگ‌های لطیف آن را می‌رنجانند، و در نتیجه زندگی را بر او تنگ می‌گیرند. خداوند متعال می‌فرماید:

«مَنْ أَعْرَضَ عَنِ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَعْمَى»^۴

«کسی که از یاد من روی گرداند، زندگی سختی برای اوست و در روز

قیامت او را کور محسور خواهیم کرد.»
۶- پندگیری

در هیاهوی دنیا و گرد و خاکی که اهل آن بپا می‌کنند، خود بخود و ناخواسته، بر جان آدمی گرد و غبار می‌نشیند و دیده او را تیره می‌کند. در این میدان، نسیمی بهاری و دل‌انگیز لازم است تا غبارها را بزدايد و موانع دید دل را از میان بردارد. یکی از این نسیم‌های خوش، موعظه و پند است که باید آن را به جان خرید.

امام علی علیه السلام فرمود: «الْمَوَاعِظُ حَيَاةُ الْقُلُوبِ»^۵

«موعظه‌ها [و پندها]، موجب زنده شدن دل‌ها می‌گردند.»

۷- معاشرت با نیکان

در ایسن سفر دراز روحانی، همراهی با نیکان و خوبان، قوت قلب است و بر نشاط رفتن می‌افزاید و خستگی‌ها را از جان می‌زداید، از غفلت‌ها جلوگیری می‌کند و اشتباهات را گوشزد می‌نماید. امام علی علیه السلام

۱ و ۲ و ۳- همان ۱۹۹۹ و ۸۸۷۶ و ۴۴۴۵.

۴- طه / ۱۲۴.

۵- میزان الحکمة، ج ۴، ص ۳۵۷۶.

فرمودند:

«صُحْبَةُ النَّوْلِ لِبَيْبِ حَيَاةِ الرُّوحِ!»

همراهی با دوست خردمند،

موجب حیات روح است.»

و نیز فرمودند: «مُعَاشِرَةُ ذَوِي

الْفَضَائِلِ حَيَاةُ الْقُلُوبِ»^۲؛

معاشرت با صاحبان فضیلت،

موجب حیات قلب‌ها است.»

راوی می‌گوید: امام صادق علیه السلام

فرمودند: «خَمْسُ خِصَالٍ مَنْ فَقَدَ وَاحِدَةً

مِنْهُنَّ لَمْ يَزَلْ نَاقِصَ الْعَيْشِ، زَائِلَ الْعَقْلِ،

مَشْغُولَ الْقَلْبِ. فَأَوْلَاهَا: صِحَّةُ الْبَدَنِ وَالثَّابِتِيَّةُ:

الْأَمْنُ. وَالثَّالِثَةُ: السَّعَةُ فِي الرِّزْقِ. وَالرَّابِعَةُ:

الْأَنْبَسُ الْمَوْافِقُ.

قُلْتُ: وَمَا الْأَنْبَسُ الْمَوْافِقُ؟ قَالَ: الزَّوْجَةُ

الصَّالِحَةُ وَالْوَلَدُ الصَّالِحُ وَالخَلِيطُ الصَّالِحُ.

وَالخَامِسَةُ: وَهِيَ تَجَمُّعُ هَذِهِ الْخِصَالِ: الدَّعَةُ»^۳؛

پنج خصلت است که اگر کسی

یکی از آن‌ها را نداشته باشد، دائماً

دچار نقص در زندگی، تشویش خاطر

و دل مشغولی خواهد بود:

۱- تن درستی ۲- امنیت

۳- گشادگی در روزی ۴- مونس موافق

[راوی می‌گوید: [گفتم: مونس

موافق کیست؟ فرمود: همسر صالحه،

فرزند صالح و دوست صالح. ۵- نرمی

و ملایمت [در اخلاق] که در برگیرنده

همه این صفات است.»

از آن سو، همراهان ناباب، مزاحم

راهند و باعث آزار، و کام رهرو را تلخ

می‌کنند و در نهایت او را به آتش

می‌اندازند، قرآن کریم می‌فرماید:

﴿أَلَا خَلَاءٌ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا

الْمُتَّقِينَ﴾^۴؛

«دوستان در آن روز دشمن

یکدیگرند، مگر پرهیزگاران.»

و نیز می‌فرماید: ﴿يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ

أَتَّخِذْ فَلَانًا خَلِيلًا﴾^۵ «لَقَدْ أَصَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ

إِذْ جِئْتَنِي﴾^۵؛

«ای وای بر من! کاش فلان

[شخص گمراه] را دوست خود

انتخاب نکرده بودم. او مرا از یادآوری

[حق] گمراه ساخت، بعد از آنکه [یاد

حق] به سراغ من آمده بود.»

همچنین در قرآن کریم

۱- همان، ج ۲، ص ۱۵۶۸.

۲- همان، ج ۳، ص ۱۹۸۱.

۳- وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۵۱.

۴- زخرف/۶۷.

۵- فرقان/۲۹-۲۸.

با خوش اخلاقی است که زندگی پاکیزه [و دلپذیر] می شود.»

از سوی دیگر بد اخلاقی و ارتباط نامناسب با دیگران، زندگی را بر کام بد اخلاق و دیگران تلخ می کند. امام علی علیه السلام فرمودند: «ثَلَاثٌ لَا يَهْتَأُ لِصَاحِبِهِنَّ عَيْشٌ: الْحَقْدُ وَالْحَسَدُ وَسُوءُ الْخُلُقِ»؛

سه خصالت است که زندگی را بر صاحبشان ناگوار می کنند: کینه ورزی، حسادت و بد اخلاقی.»

۹- سازگاری با مردم

انسان‌ها در درجات کمال و درکات نقص با یکدیگر همسان نیستند. در زندگی اجتماعی رتبه انسان‌ها از بی نهایت زیر صفر شروع می شود و تا بی نهایت بالای صفر ادامه پیدا می کند. اگر بدنبال زندگی ای باشیم که در اطراف خود، انسان‌های پر کمال و بی نقص و بهتر از خود داشته باشیم، «بهشتی» را خواسته ایم در «دنیا» محقق کنیم. تنها در سرای دیگر و بهشت

می خوانیم: «وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْخُلَطَاءِ لَسَبُّوا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَا هُمْ»؛

«و بسیاری از شریکان [و دوستان] به یکدیگر ستم می کنند مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند، اما عده آن ها کم است.»

امام صادق علیه السلام فرمودند: «ثَلَاثَةٌ تَكْذُرُ الْعَيْشَ: السُّلْطَانُ الْجَائِرُ، وَالْجَائِرُ السُّوءُ وَالْمَرْئَةُ الْبَدِيَّةُ»؛ «سه نفر موجب ناگواری زندگی می شوند: سلطان ستمگر، همسایه بد و همسر بد.»

۸- اخلاق خوب

زندگی انسانی، زندگی گروهی و دسته جمعی است و لازمه آن آمد و شد با دیگران است. اخلاق خوب و شایسته، تابلویی زیبا از وجود آدمی ارائه می دهد تا دیگران به راحتی و با اشتیاق با صاحب آن ارتباط برقرار کنند و از بودن با او لذت برند.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «لَا عَيْشَ أَهْنًا مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ»؛ در زندگی هیچ چیزی دلپذیرتر از خوش اخلاقی نیست.» و امام علی علیه السلام فرمودند: «يَحْسُنِ الْأَخْلَاقَ يَطِيبُ الْعَيْشَ»؛

۱- ص/ ۲۴.

۲- تحف العقول، ص ۳۲۰.

۳- علل الشرائع، ج ۱، ص ۵۶۰.

۴- غرر الحکم/ ۴۲۶۳.

۵- همان/ ۴۶۶۳.

الهی و حق دیگر انسان‌ها در کار است، باید دقیق و سخت‌گیر بود.

۱۰- ساده‌زیستی و قناعت

همچنانکه انسان‌ها در کمالات روحی به دارا و ندار و متوسط تقسیم می‌شوند و همه در یک سطح از دارایی قرار ندارند، در مواهب مادی نیز چنین است و همه در یک سطح از برخورداری نیستند. در این میان اگر کسی بخواهد داراترین و برترین باشد، تنها خاک‌گور است که می‌تواند چشم او را بپوشاند و او را از زحمت برتری جویی خلاص کند.

چاره آن است که هر کس در حد توان تلاش کند و به آنچه خداوند روزیش می‌کند بسنده کند و خرسند باشد و دل و دیده را از آنچه در دست دیگران است برکند و تمام توان و تلاش خود را در میدان مسابقه معنوی و علمی به کار گیرد تا در آن میدان سرآمد روزگار شود و مدال «السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ»^۱ را بر گردن آویزد.

امام علی علیه السلام فرمودند: «أَهْتَىء

خوبان است که همه خوبند و هیچ جایی از لغو و تأثیم نیست. زندگی دنیایی، مملو از انسان‌های رنگارنگ و جور و اجور است. چاره‌ای نیست جز آنکه در بسیاری از اوقات خود را به ندیدن و نشنیدن بزنیم و از لغزش دیگران تغافل کنیم. و آن وقت که لغزش دیدیم تا آنجا که مربوط به حقوق شخصی ماست، از آن درگذریم و به رخ نکشیم. تنها در این صورت است که می‌توان به زندگی اجتماعی تن داد، و گرنه زندگی، به جهنمی سوزان بدل خواهد شد که کمتر کسی خواهد توانست حتی با نزدیکان خود نیز آمد و شدی داشته باشد. امام علی علیه السلام فرمودند:

«سَلَامَةُ الْعَيْشِ فِي الْمُدَارَاةِ؛ سلامت زندگی در مدارا [و سازگاری] با مردم است.»

و نیز آن حضرت فرمودند: «مَنْ لَمْ يَتَغَافَلْ وَلَا يُغْضَ عَنْ كَثِيرٍ مِنَ الْأُمُورِ تَنَفَّصَتْ عَيْشَتُهُ»؛ کسی که تغافل نکند و از بسیاری از امور چشم‌پوشی ننماید، زندگیش تیره [و دلگیر] می‌شود.^۲

ناگفته پیداست که تغافل و گذشت در اموری مطلوب است که به حق شخصی ما مربوط می‌شود، اما در جایی که پای حقوق

۱- همان/۵۶۰۷.

۲- همان/۹۱۴۹.

الْعَيْشِ إِطْرَاحِ الْكُلْفِ ۱؛

دلپذیرترین زندگی، زندگانی بدون تکلف است.

و نیز فرمود: «إِنَّ أَهْنَأَ النَّاسِ عَيْشًا مَنْ كَانَ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ رَاضِيًا ۲؛

گواراترین زندگی از آن کسی است که به آنچه خداوند نصیب او گردانیده، راضی و خشنود باشد.»

از جمله حکمت‌های حضرت سلیمان عليه السلام این بود که فرمود: «قَدْ جَرَّبْنَا لِبَنِ الْعَيْشِ وَشِدَّتِهِ قَوْجِدْنَا أَهْنَأَهُ أَذْنَاهُ ۳؛

سختی و آسانی زندگی را تجربه کردم، و گواراترین زندگی را در ساده‌ترین آن یافتیم.»

امام علی عليه السلام فرمودند: «أَطْيَبُ الْعَيْشِ الْقِنَاعَةُ ۴؛

پاکیزه‌ترین زندگی، قناعت است.»

همچنین آن حضرت فرمودند: «الْأَنْعَمُ النَّاسُ عَيْشًا مَنْ مَنَحَهُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ الْقِنَاعَةَ وَأَصْلَحَ لَهُ زَوْجُهُ ۵؛

برخوردارترین مردم در زندگی، کسی است که خداوند سبحان به او قناعت و همسر خوب عنایت کرده است.»

۱۱- برخورداری مادی و معنوی

در زندگی پاک، باید هم از «حسنه

دنیا» برخوردار بود و هم از «حسنه آخرت». «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً ۶» و در مسیر دستیابی به آخرت نباید سهم و نصیب خود را از دنیا فراموش کرد. «وَلَا تُنْسِنَنَّ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا ۷». چراکه زندگی طیب و پاک، با استفاده از «طبیّات» امکان‌پذیر است و محروم کردن خود از رزق طیب الهی، با توجیه بدست آوردن مقامات معنوی، به هیچ وجه پذیرفته نیست. قرآن کریم می‌فرماید:

«قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۸؛

«بگو چه کسی زینت‌های الهی را که

۱- همان/ ۲۹۶۴.

۲- همان/ ۳۳۹۷.

۳- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۱۵۹.

۴- میزان الحکمة، ج ۳، ص ۲۲۱۶.

۵- همان.

۶- بقره/ ۲۰۱. «پروردگارا! به ما در دنیا نیکی عطا کن و در آخرت نیز نیکی مرحمت فرما.»

۷- قصص/ ۷۷. «و بهره‌ات را از دنیا فراموش مکن.»

۸- اعراف/ ۳۲.

مِنْ أَفْضَلِ مَا يَأْكُلُونَ وَشَرِبُوا مِنْ أَفْضَلِ مَا
 يَشْرَبُونَ وَلَبَسُوا مِنْ أَفْضَلِ مَا يَلْبَسُونَ وَسَكَنُوا
 بِسَافِئِلِ مَا يَسْكُنُونَ وَتَزَوَّجُوا مِنْ أَفْضَلِ
 مَا يَتَزَوَّجُونَ وَرَكِبُوا مِنْ أَفْضَلِ مَا يَتَرَكَبُونَ،
 أَصَابُوا لَذَّةَ الدُّنْيَا مَعَ أَهْلِ الدُّنْيَا مَعَ أَنَّهُمْ عَدَا
 مِنْ جِزَانِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَتَمَنُّونَ عَلَيْهِ، فَيُعْطِيهِمْ
 مَا يَتَمَنُّونَ، لَا يُزِدُهُمْ دَعْوَةَ وَلَا يَنْقُصُ لَهُمْ
 نَصِيبَ مِنْ لَذَّةٍ، فَإِلَى هَذَا يَشْتَأِقُ مَنْ كَانَ لَهُ
 عَقْلٌ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ! بندگان خدا!
 آگاه باشید که مؤمنان پرهیزکار از هر دو
 خیر (دنیا و آخرت) برخوردارند. با اهل
 دنیا در [برخورداری آنان از] دنیایشان
 شریکند، اما اهل دنیا در [برخورداری
 مؤمنان از] آخرتشان، بهره‌ای ندارند.
 خداوند [در قرآن] می‌فرماید: [ای پیامبر!]
 بگو چه کسی [برخورداری از] زینت‌های
 (نعمت‌های) الهی را که برای بندگانش
 آفریده است، حرام کرده است...»

[مؤمنان پرهیزکار] در دنیا به بهترین
 صورت سکونت دارند، و به پاک‌ترین
 صورت، از آن برخوردار هستند. با دنیاییان
 در دنیایشان شریکند، از بهترین آنچه آنان
 می‌خورند، می‌خورند، و از بهترین

برای بندگان خود آفریده و روزی‌های
 پاکیزه را حرام کرده است؟ بگو: این‌ها در
 زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان
 آورده‌اند [اگر چه دیگران نیز با آن‌ها
 مشارکت دارند، ولی] در قیامت، خالص
 [برای مؤمنان] خواهد بود. این گونه آیات
 [خود] را برای کسانی که آگاهند شرح
 می‌دهیم.»

متطابق این آیه شریفه، مواهب طبیعی
 دنیا برای اهل ایمان آفریده شده است، و
 غیراهل ایمان ریزه خوار اطراف این
 سفره‌اند، اما در سفره‌ی آخری تنعمات، فقط
 اهل ایمانند که می‌توانند از آن بهره ببرند و
 آن سفره «بطور خالص» از آن آنان است. در
 سفره‌ی مواهب دنیا، دیگران با مؤمنان شرکت
 دارند و از آن استفاده می‌کنند، اما در سفره‌ی
 مواهب آخرت، دیگران بی‌بهره‌اند و فقط
 مؤمنان برخوردار. لذا برد با مؤمنان است.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «وَأَعْلَمُوا
 عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ الْمُؤْمِنِينَ الْمُتَّقِينَ ذَهَبُوا بِمَا جَلِ
 الْخَيْرِ وَأَجَلِهِ شَارِكُوا أَهْلَ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ وَلَمْ
 يَشَارِكْهُمْ أَهْلَ الدُّنْيَا فِي آخِرَتِهِمْ. يَقُولُ اللَّهُ
 عَزَّ وَجَلَّ: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ...»
 سَكَنُوا الدُّنْيَا بِأَفْضَلِ مَا سَكَنَتْ وَأَكَلُوا بِأَفْضَلِ
 مَا أَكَلَتْ. شَارِكُوا أَهْلَ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ أَكَلُوا

۱- الغارات، ابراهیم ابن محمد ثقفی، ج ۱، ص ۲۳۵.

نوشیدنی آنان می نوشند، از بهترین آنچه می پوشند در بر می کنند، از بهترین سکونت آنان، سکونت می یابند، از برترین ازدواج های آنان برخوردار و از والاترین مرکب های آنان بهره مندند.

[امروز] همراه دنیایان از لذت دنیا کام می گیرند، حال آنکه فردا، آنان همسایگان خدایند. از او درخواست می کنند و هر چه از خدا بخواهند، عطایشان کند، هیچ خواسته ای از آنان رد نشود و هیچ نقصی در لذت آنان رخنه نکند. پس آنان که از اندک عقلی برخوردارند، مشتاق چنین زندگی هستند. و هیچ حول و قوه ای جز از خدای بزرگ نیست.»

امام باقر علیه السلام نیز در دعای خود، از خداوند «رفاه دنیایی» طلب می کند، آنجا که عرض می کند: «أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ الرَّفَاهِيَّةَ فِي مَعِيشَتِي مَا أَبْقَيْتَنِي مَعِيشَةً أَقْوَى بِهَا عَلَي طَاعَتِكَ وَأَبْلَغُ بِهَا رِضْوَانِكَ... وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا عَلَيَّ سِجْنًا وَلَا تَجْعَلْ فِرَاقَهَا عَلَيَّ حُزْنًا!»

خدایا! از تو می خواهم تا زمانی که مرا زنده می داری، به من رفاه در معیشت عطا کنی، آنچنان معیشتی که با آن بر اطاعت و فرمانبرداریت قوت یابم و به رضوان تو

نایل گردم... و دنیا را زندان من، و جدایی از آن را باعث اندوه من قرار نده.»

۱۲- فایده رسانی به مردم

زندگی پاک، در این نیست که فقط سعی کنیم خود از هوای پاک استفاده کنیم و با دیگرانی که در هوای آلوده تنفس می کنند کاری نداشته باشیم. نباید بین خود و دیگران دیواری بلند کشید و دیگران را از نشستن در کنار سفره ای که روزی معنوی آن را خدا به ما داده است، بر حذر داشت بلکه باید دیگران را در روزی معنوی خود شریک کرد.

امام علی علیه السلام می فرماید: «أَحْسَنُ النَّاسِ عَيْشًا مَنْ عَاشَ النَّاسَ فِي قَضِيهِ؟»

بهترین زندگانی از آن کسی است که مردم با فضل و [احسان] او زندگی کنند.»

و نیز آن حضرت فرمود: «إِنَّ أَحْسَنَ النَّاسِ عَيْشًا مَنْ حَسَنَ عَيْشَ النَّاسِ فِي عَيْشِهِ؟»

خوب ترین زندگی از آن کسی است که مردم با زندگی او، خوب زندگی کنند.»

۱- بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۳۷۹.

۲- غرر الحکم / ۳۰۵۸.

۳- همان / ۳۶۳۶.